



رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در ابتدای پیام فرمودند: «چهل روز از یکی از بزرگترین جنایات دشمنان اسلام و ایران و از یکی از سنگین‌ترین داغ‌های عمومی در تاریخ این ملت می‌گذرد؛ داغ شهادت جانگداز رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی، پدر ملت ایران و زعیم امت اسلامی و پیشوای حق‌طلبان در عصر حاضر، سید شهیدان ایران و جبهه مقاومت، خامنه‌ای کبیر قُدس‌الله نَفْسَهُ‌الْكَیْه... چهل شب و روز است که خداوند متعال پیشوای این امت را به میقات خود فراخوانده؛ اما این‌بار برخلاف آنچه در عصر کلیم‌الله ﷺ رخ داد، اصحاب رهبر شهید و امت او برای اقامه حق و مقابله با باطل مبعوث شدند و چون کوه‌های استوار در برابر سامری و گوساله‌اش ایستادگی کرده و همچون گدازه‌های آتشین، بر سر متجاوزان و فرعونیان فرود آمدند.

اما در مقابل، چهل روز و شب است که فرزندان غیور خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز شهید ﷺ و پیروان اسلام ناب محمدی ﷺ با اهتمام و شجاعتی مثال‌زدنی در میدان‌ها و خیابان‌ها و سنگرهای رزم حاضر هستند و علی‌رغم لطمات و خسارت‌های هجوم وحشیانه دشمن، جنگ تحمیلی سوم را به صحنه حماسه دفاع مقدس سوم تبدیل کرده‌اند. ملت آگاه و هوشیار ایران گرچه نشان داد، در غم بزرگ فراق پیشوای شهیدش داغدار است؛ ولی با تأسی به میراث‌داران بی‌واسطه عاشورای حسینی، از این داغ، حماسه و از رثاء، رجز ساخت و همه اینها دشمن تا بن دندان مسلح را به حیرت و استیصال انداخته و آزادگان جهان را به تحسین واداشته است. این‌بار جهالت و نادانی مستکبران باعث شد که اسفند ۱۴۰۴ سرآغاز فصل نوین از قدرت‌گیری و برآمدن نام ایران و انقلاب اسلامی گردد و پرچم ایران اسلامی نه فقط در جغرافیای خاکی کشورمان، بلکه در عمق دل‌های حق‌جویان جهان برافراشته شود.»

این فقرات، کارکردهای خوبی، متناسب با وضعیت امروز جامعه ما دارد:

۱. کارکرد قدسی‌سازی و «معناسازی جمعی»

در این فقرات، یک حادثه در قالب معنای قدسی و الهی صورت‌بندی شده است. جامعه دینی برای حفظ انسجام اجتماعی خود، باید رخدادهای بزرگش را در چارچوب مفاهیم قدسی تعبیر کند.

این کارکرد مشابه چیزی است که دورکیم، «قدسی‌سازی امر جمعی» و نوعاً متفکران مسلمان، «الهی‌سازی تجربه اجتماعی» می‌نامند. معظم‌له با پیونددادن حوادث پیش‌آمده به موضوعاتی مثل قرب الهی، ضیافت اولیاء، سنت شهادت و از همه مهمتر مفاهیم عاشورایی، درواقع از امر فردی ـ تاریخی، یک امر کلان معنوی می‌سازد.

۲. بازتولید هویت جمعی ایمان‌محور

یکی از مفاهیم محوری جامعه‌شناسی دین، نقش متون و آیین‌های سوگواری در حفظ هویت جمعی است. رهبر معظم انقلاب، در این متن، جامعه را در قالب «امت»، «یاران»، «پیروان» صورت‌بندی کرده‌اند. هویت «ما»ی جمعی را بر مبنای ایمان، مقاومت و تاریخ مشترک سامان داده که در آن جامعه خود را وارث یک مسیر تاریخی می‌بیند. دقیقاً این نوع روایت، انسجام‌بخش است. از طرفی سرمایه اجتماعی مؤمنانه را تقویت می‌کند و نوعی «هویت مقاومتی» می‌سازد که در برابر تهدید خارجی پایدار است.

۳. دوگانه‌سازی

تقابل حق و باطل کاملاً مشهود و برجسته شده است. این الگو، ریشه در قرآن دارد. با چنین کاری، پیچیدگی‌های اجتماعی برای ایجاد شناخت هر دو جبهه، ساده می‌شود و این مسئله، بسیار حائز اهمیت است؛ چون قدرت بسیج‌کنندگی فراوان دارد و مرزهای نمادین بین «مؤمنان» و «دیگران» ایجاد می‌کند. پیونددادن حادثه با اسطوره‌ها و تاریخ مقدس، با اشاره به قضیه حضرت موسی ﷺ و سامری و فرعون، نوعی اسطوره‌سازی اجتماعی مشروعیت‌بخش ایجاد می‌کنند. این ایجاد پیوند، از یک سو، «وضعیت کنونی» را در امتداد «تاریخ مقدس» قرار می‌دهد؛ و از سوی دیگر، نقش جامعه را در قالب یک «امت صاحب رسالت» تعریف می‌کند.

این موضوع، بسیار مهم و قابل توضیح است و در مجال دیگری، درباره آن خواهم نوشت. ان‌شاءالله بنابراین با دقت در متن، شاید مهمترین کارکرد اجتماعی آن «انسجام‌بخشی و هویت‌سازی» باشد که در دوره بحران کنونی که یک گذار تاریخی شکل گرفته است، نقش مهمی در مدیریت احساسات و حفظ وحدت دارد.

خدای متعال سایه رهبران دینی را بر سر ما مستدام کند که حضرت امام خمینی ﷺ به‌درستی فرمودند که پشتببان ولایت فقیه باشید تا تا به مملکت شما آسیبی وارد نشود.

• **بخش دوم پیام**

قدسی‌سازی شخصیت و تبدیل فرد به نماد کلان، اعجاز این فقرات پیام معظم‌له است؛ البته در واقعیت اجتماعی این نمادسازی شکل گرفته است؛ اما تلاش برای تدوین نظریات متناسب با آن، موضوع دیگری است. این مصداق هم از مواردی است که عرصه نظریه‌پردازی ما، عقب‌تر از عینیت‌های محقق شده است.

این یک پدیده کاملاً قابل مطالعه در جامعه‌شناسی دین است؛ تبدیل رهبران دینی– سیاسی به نمادهایی که جامعه حول آنها انسجام می‌یابد؛ ارائه یک الگوی رفتاری تا جامعه بتواند یک مصداق واضح از انسان نمونه در جامعه کنونی را مشاهده کند؛ نه اینکه اسوه‌های خود را دالماً در منابع تاریخی جستجو کند. این اسوای که جامعه مؤمنان با آن زیست داشته است، باعث تثبیت ارزش‌های مطلوب می‌شود. به زبان دورکیم، جامعه از طریق نمونه‌سازی، ارزش‌های جمعی خود را تثبیت می‌کند.

هنر قلم الهی در پیام اربعین رهبر معظم انقلاب

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سلطانیه، عضو هیئت علمی دانشگاه رضوی

ضرورتاً نوبت دوره سکوت صحنه نبرد نظامی رسیده باشد، وظیفه آحاد مردمی که امکان حضور در میادین و محلات و مساجد را دارا هستند، سنگین‌تر از قبل به‌نظر می‌رسد. مسلماً فریادهای شما در میادین، درنتیجه مذاکرات مؤثر است؛ همچنان‌که عدد شگفت‌آور و رو به افزایش میلیونی پوشش جان‌فدا برای ایران هم، از عناصر تأثیرگذار در این عرصه است ... رویکرد دستیابی به «ایران هرچه قوی‌تر» از مسیر وحدت بین‌اقتشار مختلف جامعه می‌گذرد که مکرراً مورد تأکید ایشان بود. شمه قابل توجهی از این وحدت در این چهل‌روز تحقق پیدا کرد: قلوب مردم به هم نزدیک شد، یخ‌های فیما بین اقتشار مختلف با گرایش‌های متفاوت شروع به ذوب‌شدن کرد، همگان زیر پرچم وطن جمع شدند و روزه‌روز به عدد این جمع و به کیفیت آن افزوده می‌شود. بسیاری از کسانی که هنوز به این‌گونه حضور دست نیافته‌اند، قلباً همراه و هم‌سخن با جمعیت‌های حاضر در میادین هستند.

این روزها خیلی‌ها نگاهی تمذنی را با چشم دوختن به افق‌های دوردست تجربه می‌کنند و برای خود تصویری نه موهوم، بلکه متکی به واقعیات حال و آینده خلق می‌کنند. این خصوصیتی است که تا اندکی پیش از این، در عده کمی که رهبر شهید در رأس آن قرار داشتند، دیده می‌شد. این‌گونه است که هر ناظری رشد سریع و معجزه‌وار این ملت را درک می‌کند و بی‌جهت نیست که در این روزها حکیم نامدار دوران و فقیه عالی‌قدر آنگاه که با شما از این شان صحبت می‌فرماید، بارها بغض گلو، سدّ راه کلامش می‌شود.»

این متن، بخشی از یک گفتمان است که رخدادهای مختلفی را در قالب «حماسه» بازتولید کرده است. این ویژگی در جامعه‌شناسی دین، یک نوع اسطوره‌سازی جمعی است که کارکردهای متنوعی دارد؛ مثلاً یک روایت مشترک از رنج و مقاومت خلق می‌کند و روحیه جمعی را تقویت می‌کند. مسئله دوم، دو سطحی‌سازی جهان اجتماعی است. میدان حق و میدان باطل؛ تقسیم جهان به دو قطب متقابل، یعنی یک «ما»ی مؤمن، مقاوم، متحد و یک «دیگری» که در موضع تقابل قرار دارد. کارکردهای این دوئیت‌سازی، در یادداشت اول تبیین شده است که مهم‌ترین آن، تولید هویت جمعی منسجم است.

به‌نظر حقیر، مهمترین کارویژه این فقرات، موضوع امت‌کنشگر یعنی تمرکز بر نقش محوری مردم در متن جامعه است. حضور مردم در صحنه، بار معنایی بسیار زیادی دارد. حضور آنان در مسجد، میدان، محله، خیابان و پوشش‌ها، از دیدگاه یک جامعه‌شناس، نشان‌دهنده گذار از «مردم به‌مثابه تماشاگر» به «مردم به‌مثابه کنشگر» است. ظاهر این همان مفهوم Agency در جامعه‌شناسی است که یک امت، کارکردهای بسیار متعددی دارد؛ برای مثال، تبدیل انفعال به مشارکت، تولید سرمایه اجتماعی پیونددهنده و تقویت خودآگاهی جمعی از آن جمله است. شاهکار دیگر این فقرات، پیوند بین مشارکت اجتماعی و امر دینی است؛ زیرا رهبری معظم، این حضور اجتماعی را به‌مثابه عبادت و وظیفه دانسته است که دقیقاً در حال تبدیل کنش اجتماعی به کنش قدسی است.

• **بخش چهارم پیام**

بسیار مشتاقم تا این تأمل و یادداشت را ادامه دهم؛ اگرچه طولانی شده است؛ اما حقیقتاً چنین قلمی، فراخور تقدیر است. شکل‌دهی وجدان جمعی و هویت عمومی با کم‌کردن فاصله‌های اجتماعی، آب‌کردن یخ رابطه اقتشار مختلف مردم و گردآمدن آنان زیر یک پرچم، هنر این قلم الهی است؛ بنابراین، این فقرات از منظر جامعه‌شناختی دینی، دارای چهار کارکرد کلیدی است:

۱. تولید هویت جمعی ایمانی و ملی؛



۲. بازسازی پیوندهای اقتشار مختلف تحت گفتمان مشترک؛

۳. انگیزش و بسیج اجتماعی؛
۴. خلق تصویری قدسی و روشن از آینده.

معظم‌له، در بخش پایانی پیام خود، فرمایشاتی داشتند که ساختارهای معنایی، کارکردهای اجتماعی، نظام نمادین و شیوه‌های تولید هویت در آن قابل مشاهده است. (یک شکل‌گیری «گفتمان اخوت بین‌المللی» امام عزیزمان، «دیگران منطقه‌ای» یعنی همسایگان جنوبی را نه با منطق دیپلماتیک، بلکه در چارچوب یک گفتمان اخلاقی – ایمانی مخاطب قرار داده‌اند؛ چون منطقه را به‌مثابه «امت بالقوه» و روابط کشورها را در قالب «اخوت» و «اعراض از مستکبران» بازتعریف کرده‌اند. شکل‌گیری هویت منطقه‌ای بر پایه ایمان، نشانگر نوعی امت‌سازی فراسرزمینی است. ادبیات ایشان در متن، به‌تعبیر سنت اسلامی انذار است؛ یعنی هشدار اخلاقی از موضع خیرخواهی؛ نه خصومت.

مثلاً تعبیر «شما در حال دیدن یک معجزه هستید»، روایت‌سازی معنوی برای رخدادهای اجتماعی است. یا عبارت «در جای درست بایستید» یک نوع دعوت به موضع اخلاقی است و «بدگمان باشید به وعده‌های شیاطین»، تحلیل گفتمان قدرت از زاویه دینی است. این گفتمان دو هدف اجتماعی دارد:

– ساخت ادراک جمعی از میدان بازی؛

– تعیین کنش درست به‌صورت تکلیف اخلاقی.

(دو تبدیل مطالبه‌گری به «حق دینی – اجتماعی» جملاًتی مانند: «غرامت را طلب خواهیم کرد»، «حقوق حقه خود را رها نمی‌کنیم»، «مدیریت تنگه هرمز را وارد مرحله جدیدی خواهیم کرد» نشان می‌دهد که معظم‌له در حال تبدیل «حق طلبی» از یک امر سیاسی – حقوقی به امر شرعی – هویتی است. به‌عبارت دیگر، مطالبه به امر مقدس و غیرقابل مذاکره تبدیل شده است که کارکرد اجتماعی آن، ایجاد عزم و همبستگی حول حقوقی است که «رهاشدنی» نیستند.

(سه) دوگانه «عمل ـ دعا». به‌عنوان مدل کنش اجتماعی در این فقرات، ایشان بر دو سطح کنش تأکید دارد:

– عمل اجتماعی و مقاومت؛

– دعا، توسل و امید به امداد غیبی.

این ساختار، همان الگوی کنش دوگانه اسلامی است که جهان را دارای علت‌های طبیعی می‌بیند و در عین حال، نقش اراده الهی را محوری می‌داند. در جامعه‌شناسی دین، این مدل باعث افزایش تاب‌آوری اجتماعی، احساس کنترل، روحیه جمعی و انگیزه برای کوشش می‌شود. «حضور امام غایب ﷺ» به‌عنوان ستون هویت معنوی در بخش پایانی که خطاب به امام زمان ﷺ است، در همین قالب قابل فهم است.

این بخش مهم‌ترین بار جامعه‌شناختی را دارد؛ زیرا: (الف) متن را از سیاست روز به تاریخ قدسی متصل می‌کند؛ چون رخدادهای جاری را در امتداد یک «روایت بزرگ» قرار داده است.

(ب) کنش اجتماعی را از سطح استراتژیک به سطح عبادی ارتقا داده‌اند؛ یعنی میدان نبرد و میدان گفت‌وگو را زیر سایه دعای حضرتش قرار داده‌اند.

(ج) جامعه را در یک نظام معنادهی کلان قرار داده‌اند؛ یعنی یک روایت ماورایی و سامان‌دهنده حقیقی ایجاد کرده‌اند که اضطراب را کاهش می‌دهد، آرامش معنوی و امید جمعی ایجاد می‌کند و به‌عبارت کامل‌تر، به همه کنش‌های جمعی معنا می‌دهد.

بنابراین حضرت‌شان، در حال بناکردن یک هویت جمعی است که بر پیوند سه عنصر استوار است: ایمان، اخلاق و کنش اجتماعی.

منبع: خبرگزاری رسا